



بارها با خودم فکر کرده‌ام که چرا صفحه اینستاگرام من نسبت به صفحات مشابه، لایک‌ها، کامنت‌ها و بازدیدهای کمتری دارد. من و امثال من تلاش می‌کنیم پست‌های خالص و بی‌آگهی روی اینستاگرام بگذاریم و در شگفتم که چرا مطالب مبتذل صفحاتی که بنیانشان بر تجارت لایک و کامنت و تعداد بازدیدهای ویدیوهایش گذاشته شده دست‌به‌دست می‌چرخند و در همه جا حتی در صفحه پیشنهادی اینستاگرام هم می‌آیند. این موضوع معمای است حل نشده برای من که چطور می‌شود از یک سو، دم از اخلاق بزیم و خودمان را قوم برتر بدانیم و از سوی دیگر کلیپ‌ها و مطالب بی‌ارزش را ببینیم و لایک کنیم و باز نشر کنیم.

بارها با خودم فکر کرده‌ام که چرا صفحه **اینستاگرام** من نسبت به صفحات مشابه، لایک‌ها، کامنت‌ها و بازدیدهای کمتری دارد. مطالب را با پست‌های دیگران مقایسه می‌کنم و می‌بینم چیزی ایراد دارد. به یقین نمی‌توانم ادعا کنم که تعداد لایک‌ها و کامنت‌ها برای من مهم نیست. چون هر متنی، با این هدف نوشته می‌شود که خوانده شود و هر عکسی گرفته می‌شود که دیده شود. البته که در اینستاگرام، صفحات ایرانی درجه یک و پرمخاطب زیادی ساخته شده‌اند اما فکر می‌کنم صفحاتی که من و امثال من می‌سازیم بسیار بیشتر از صفحه آن هنرپیشه خوش بر و روی خاص و آن آقای معروف و آن خانم محترمه حرف برای گفتن دارد. دنیای امروز به حرف‌های جدید نیاز دارد؛ بدون این‌که نیاز داشته باشید در لابه‌لای پست‌ها و حرف‌های حکیمانه پیچیده و گاهی قلابی و مبهم صاحب پیج، تبلیغ نوشیدنی و پوشیدنی و کافه‌ها را ببینید. من و امثال من تلاش می‌کنیم پست‌های خالص و بی‌آگهی روی اینستاگرام بگذاریم و در شگفتم که چرا مطالب مبتذل صفحاتی که بنیانشان بر تجارت لایک و کامنت و تعداد بازدیدهای ویدیوهایش گذاشته شده دست‌به‌دست می‌چرخند و در همه جا حتی در صفحه پیشنهادی اینستاگرام هم می‌آیند. این موضوع معمای است حل نشده برای من که چطور می‌شود از یک سو، دم از اخلاق بزیم و خودمان را قوم برتر بدانیم و از سوی دیگر کلیپ‌ها و مطالب بی‌ارزش را ببینیم و لایک کنیم و باز نشر کنیم. بدتر از همه آن‌که، پست‌هایی با پز روشنفکری منتشر کنیم و در میانش نوشیدنی و کافه تبلیغ کنیم بدون اینکه به مخاطب پیگیر خود گفته باشیم: «مخاطب محترم! من برای امرار معاش مجبورم که این تبلیغات نامحسوس را در اینجا پست کنم؛ عذرخواهی می‌کنم.» البته اگر شما هم مثل من تاب و تحمل چنین بی‌احترامی‌هایی را ندارید، اینستاگرام راهکار بسیار سراسری را در اختیارتان قرار داده: آنفالو!

این‌که مردم حرف‌های زیادی برای گفتن دارند و حالا ابزار مناسب به اشتراک گذاشتن این حرف‌ها را به دست آورده‌اند و فرصتی یافته‌اند تا خودشان را بیان کنند، تنها یک روی ماجراست. روی دیگر ماجرا، فقر سواد رسانه‌ای و سطح نازل سلیقه مخاطبان و البته فرصت‌طلبی و سودجویی کاسبان اینستاگرام است. آن‌هایی که خوب می‌دانند چطور با انتشار کلیپ‌های مبتذل، مخاطب کنجکاو و خسته خود را به دام اندازند و برای یک دقیقه هم که شده او را گرفتار کنند و جمع همین یک دقیقه‌ها را به پول تبدیل کنند. همه این مثال‌ها ما را به این نتیجه می‌رسانند که مثل همیشه ابزار، پیش از فرهنگ استفاده از آن ابزار وارد مملکت ما شده است. ما بلد نیستیم به درستی با اینستاگرام کار کنیم، همان‌طور که بلد نیستیم خودروی خود را به‌طور اصولی برانیم و در شهر و جاده هدایت کنیم.

البته من به عنوان صاحب یک صفحه اینستاگرام هم مقصرم. من هنوز بلد نیستم چطور با استفاده از اینستاگرام، کاربران را به خواندن مطالبم ترغیب کنم و کاری کنم که آن‌ها مرا بشنوند، پیگیر صفحه‌ام باشند و نظر بدهند. در این وانفسای نابلدی من و کاربران عادی اینستاگرام، عده‌ای هستند که به خوبی رگ خواب مخاطب را در دست دارند و می‌دانند چطور موج‌ها را راه بیندازند و گروه‌های زیادی را به دنبال خود بکشند و حواس‌ها را سمت خود جلب کنند. من حتی قصد دارم پا را فراتر بگذارم و مدعی شوم که این سودجویان، با این روش خود ما کاربران عادی اینستاگرام را به گونه‌ای تربیت کرده‌اند که سلیقه‌مان همانی باشد که آن‌ها می‌خواهند. به عقیده من این اتفاقی است که افتاده و شاهد نتایج اسفبارش هستیم.

حالا باید چه کار کرد؟ آیا دیر شده است؟ باید دست روی دست گذاشت؟ اصلا این موضوع مهمی است که بخواهیم در موردش فکر کنیم و راهکاری بیابیم؟ همه این‌ها به خود ما مربوط می‌شود. به نظر من بهترین کار این است که منتقد صفحات باشیم. هر صفحه‌ای را قبول نکنیم؛ از هم انتقاد کنیم و ایرادهای پست‌ها را به هم یادآوری کنیم و صد البته پیش از این کار، باید راه و رسم انتقاد صحیح را هم از اهل فن آموخته باشیم. صفحات بی‌ارزش و کاسب‌کارانه را دنبال نکنیم و به آن‌ها اعتبار ندهیم. خودمان دست به کار شویم و صفحه‌ای بسازیم و نمونه‌ای از یک صفحه اینستاگرامی خوب ایجاد کنیم و آن را پرورش دهیم؛ در این صورت تعداد ما بیشتر از سودجویانی خواهد شد که کاسب اینستاگرام هستند و البته تمرین کنیم که چطور به مخاطب احترام بگذاریم؛ با گذاشتن پست‌هایی که مفید باشند و حال آن‌ها را خوب کند و دست‌کم توهین به شعورشان نباشد. در پاسخ به نظریه‌های مخاطبان هم شعور آن‌ها را در اولویت قرار دهیم و هرگز نگاه متکبرانه به آن‌ها نداشته باشیم. باید از یک‌جایی شروع کنیم و ویروسی را که به هر دلیلی به جان اینستاگرام افتاده است، از بین ببریم. یا نباید از اینستاگرام استفاده کنیم یا تا جای ممکن باید آن را به مکانی امن برای ذهن پاک خود تبدیل کنیم.

تاریخ انتشار:

15 آبان 1397

نشانی منبع:

<https://www.shabakeh-mag.com/opinion/13812/%D8%A7%D8%AA%D8%AD%D8%A7%D8%AF-%D8%A9%D8%A7%D8%B1%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%DB%8C-%D8%B3%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%86-%DB%8C%DA%A9-%D8%A7%DB%8C%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%DA%AF%D8%B1%D8%A7%D9%85-%D9%BE%D8%A7%DA%A9>